اقتصاد اسلامی پول سیاه را در صندوق‌های قرض‌الحسنه می‌شوید!

کانون‌های اصلی مقابله با اصلاحات

اداره اماکن وابسته به نیروهای انتظامی مجوز تاسیس صندوق قرض‌الحسنه می‌دهد و سیستم بانکی و اقتصادی دولت هیچ نظارتی بر آن ندارد.

پول واردات قاچاق، سود حاصل از فروش مواد مخدر و صادرات آن، پورسانتاژ معاملات نظامی و دهها فعالیت غیر قانونی اقتصادی، از طریق صندوق‌های قرض‌الحسنه و سازمان اقتصاد اسلامی شسته شده و سیستم مالیاتی کشور اطلاع از آن ندارد. حتی ۴۸ پایانه گمرکی متعلق به سپاه پاسداران نیز در این شبکه فعالیت می‌کند.

اعضای هیات مدیره سازمان اقتصاد اسلامی و صندوق‌قرض‌الحسنه‌ای را اعلام کنید.

شبکه مافیائی مخالف هر نوع اصلاحات اقتصادی و اجتماعی در جمهوری اسلامی، پایه‌های خود را در ساختاری اقتصادی مستحکم کرده‌است که کمتر در باره آن مطبوعات می‌نویسند و مردم اطلاع دارند. سازمان اقتصادی اسلامی و صندوق‌های قرض‌الحسنه، از جمله این ساختارها به حساب می‌آیند که چون زالو به ثروت کشور چسبیده و خون آن را می‌مکند. اینها خود زائده‌های بنیادهای عظیم مالی در جمهوری اسلامی‌اند که هر کدام آنها در دست بخشی از مافیای ثروت و قدرت در جمهوری اسلامی است و همه آنها در اتحاد و همبستگی کامل با یکدیگر بزرگترین نقش را در فاجعه اقتصادی-اجتماعی کنونی حاکم بر کشور داشته‌اند. هدایت کنندگان و بهره‌برندگان این بنیادها، سازمان‌ها و صندوق‌ها، حتی اگر خود مستقیم در ارگان‌هائی نظیر مجمع تشخیص مصلحت، شورای نگهبان، بیت‌رهبری، مجلس خبرگان، جامعه وعاظ، قوه قضائیه، شورای تبلیغات اسلامی، سازمان عریض و طویل "دفتر نمایندگی رهبر"، دانشگاه‌های وابسته به این نهادها و سازمان‌ها ننشسته باشند و برای سرنوشت کشور تصمیم نگیرند، نمایندگان سیاسی آنها در این ارگان‌ها سیاست و اراده آنها را پیش می‌برند. حافظه تاریخی مردم ایران وقتی به سال‌های اول پیروزی انقلاب اسلامی و جنجال‌های گمراه کننده‌ای که ابوالحسن بنی‌صدر و هاشمی رفسنجانی پیرامون اقتصاد اسلامی بعنوان جایگزین اقتصاد سرمایه‌داری و اقتصاد سوسیالیستی راه انداختند باز می‌گردد، از آن همه ادعا و جنجال هیچ نمی‌یابد جز سلطه عقب‌افتاده‌ترین بخش سرمایه‌داری بر انقلابی که برای عدالت اجتماعی و آزادی صورت گرفت و از دل این دو، باید استقلال کشور بیرون می‌آمد. آزادی احزاب و مطبوعات یک ضرورت تاریخی است، زیرا از دل این آزادی باید آگاهی مردم از ساختار اقتصاد مافیائی حاکم بر جمهوری اسلامی بیرون بیآید و با این نگاه است که انتقادات جدی به گردانندگان و مدیران و نویسندگان روزنامه‌های موسوم به دوم خردادی، بدلیل غفلت در بازگشائی این پرونده غفلت کردند. آنها باید پرده اقتصاد را چنان کنار می‌زدند که مردم در چشم بهم زدنی بدانند وقتی فرمانده سپاه پاسداران از شکستن قلم‌ها و بریدن زبان دادن سخن می‌دهد، در دفاع از کدام ساختار اقتصادی و در دفاع از چه کسانی وارد میدان شده‌است. هنوز هم، با آنکه در مرحله دوم ریاست جمهوری محمدخاتمی افشاگری‌های اقتصادی قابل مقایسه با دوره اول ریاست جمهوری وی نیست و کارنامه روزنامه‌های طرفدار اصلاحات از این نظر قابل دفاع‌تر از همین کارنامه در دوره اول ریاست جمهوری وی است، اما هنوز اساسی‌ترین و بلندترین گام‌ها برداشته نشده‌است. این گام باید برداشته شود، چرا که طرفداران اصلاحات و اصل اصلاحات را از سوی وسیع‌ترین طیف‌های مردمی بیمه می‌کند. آن قیامی که در ونزوئلا موجب شکست کودتاچیان وابسته به شرکت‌های بزرگ نفتی امریکا شد، از دل همین آگاهی و بسیج عمومی مردم ونزوئلا بیرون آمد. بزرگترین ضعف کنونی مجلس و دولت نبردن لوایح و طرح‌های خارج کردن نهادهای اقتصادی و سازمان‌های یاد شده در بالا از زیر سیطره باندهای قدرت و ملی نکردن آنهاست. حرف بر سر ملی کردن آنهاست، نه خصوصی سازی آنها. بدون هیچ ملاحظه و شانتاژی باید از ملی شدن آنها سخن گفت.

یکی از آخرین شماره‌های هفته‌نامه "اولیا اصفهان" می‌نویسد: «که ۱۰ در صد جمعیت کشور از ۹۰ در صد امکانات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور استفاده می‌کند.» مجلس ششم هنوز به صحنه رسیدگی به این غارت در دهساله دوم جمهوری اسلامی تبدیل نشده‌است و این یک ضعف تاریخی است که به حساب این مجلس نوشته خواهد شد.

طهماسب مظاهری وزیر اقتصاد و دارایی در نامه‌ای خطاب به معاون اول رئیس جمهور نوشت : «هزاران صندوق قرض الحسنه و تعاونیهای اعتباری با ناموفق کردن سیاستهای پولی، صدمه زدن به ارزش پول ملی، رقابت ناسالم با نظام رسمی بانکداری و اعتبارات کشور و بعضی با زمینه سازی برای فساد و تطهیر پول، اقتصاد ملی را با خطرات جدی روبرو کرده اند»

نگارش این نامه از جهتی می‌تواند موجب تعجب باشد که مگر صندوقهای قرض الحسنه چیستند و وابسته به کجا و کدام قدرت هستند که وزیر اقتصاد کشور برای جلوگیری از فعالیت مخرب آنان که به گفته وی به " زمینه سازی برای فساد و تطهیر پول " ختم شده است باید از معاون رئیس جمهور یاری بجوید.

تطهیر پول که وزیر اقتصاد آن را چنین محترمانه و با استفاده از فعل طهارت بکار برده، در سراسر جهان نه تنها بعنوان یک جرم اقتصادی بلکه یک جرم جنائی شناخته شده و سنگین‌ترین پیگردها را توسط دولت‌ها

در پی دارد. اصطلاح درست این لفظ در سراسر جهان "شستشوی پول" است، یعنی پول دزدی و غیر قانونی را، برای فرار از چنگ مالیات و نظارت دولت، بدون آنکه از سیستم بانکی استفاده شود و دولت از آن مطلع شود در بازار به کار می‌اندازند و سود بر سود می‌افزایند. صندوق‌های قرض‌الحسنه نقش چنین واسطه‌ای را برعهده دارند و سیستم بانکی کشور را به همین دلیل دور می‌زنند. اصل ماجرا به همین روشنی است، اما از بیم واکنش‌های سیاسی کسی جسارت نمی‌کند ماجرا را اینگونه بشکافد و بگوید که صندوق‌های قرض الحسنه و اُم‌الفسادی که سر نخ همه این صندوق‌ها به آن وصل است،کمیته امداد امام است. فساد از اینجا بر می‌خیزد و ساده لوحی است اگر کسی تصور کند، رهبر و مقامات دیگری که دم از مبارزه با فساد اقتصادی می‌زنند این واقعیات را نمی‌دانند!

وزیر اقتصاد سپس در مصاحبه ای با خبرگزاری رسمی جمهوری اسلامی «ایرنا»، ضمن اشاره به ضرورت نظارت بانک مرکزی بر فعالیت‌های مالی و اعتباری،«آن دسته از موسسه های مالی اعتباری و صندوق های قرض الحسنه را که فارغ از این نظارت فعالیت می‌کنند به قبول نظارت قانونمند بانک مرکزی دعوت کرد» (نوروز ۲۲ فروردین ۱۳۸۱)

با این سخنان معلوم شد که ایران، شاید تنها کشور یا از معدود کشورهای جهان باشد که وزیر اقتصاد آن باید از موسساتی که به " فساد و تطهیر پول " مشغول هستند عاجزانه درخواست می‌کند که " نظارت بانک مرکزی " را بپذیرند. وزیر اقتصاد سپس توضیح داد که دولت از حجم سرمایه این صندوقها و میزان پولهای ناشی از معاملات فاسدی که آنان به تطهیر و پاک ساختن آن مشغول هستند اطلاعی ندارد.

این پولها عمدتا درآمدهای ناشی از اسکله های قاچاق و غیرقانونی هستند که به گفته وزیر کشور ۶۰ درصد واردات کشور از طریق آنان صورت میگیرد، یا به معاملات مواد مخدر، حق حسابهای معاملات اسلحه و دیگر معاملاتی از این دست مربوط میشوند که از طریق این صندوقها "تطهیر" میشود. یعنی جنبه فاسد و غیرقانونی کسب آن آشکار نمی‌شود. به این ترتیب، طور به هم تنیده شده ۴۸ اسکله و پایانه جنوب کشور که گمرک نمی‌تواند بر آن نظارت داشته باشد زیرا دراختیار سپاه پاسداران است و ارتباط آنها با کمیته امداد و صندوق‌های قرض‌الحسنه در برابر دیدگان قرار می‌گیرد. همچنان که کانال شستشوی پول ناشی از درآمد حاصله از فروش و مصرف بی‌سابقه مواد مخدر در داخل کشور و ورود و خروج آن از کشور مشخص می‌شود.

همزمان با مصاحبه وزیر اقتصاد، روزنامه بنیان اطلاع داد که صندوقهای قرض الحسنه که خود را تابع مقررات بانک مرکزی نمی‌دانند، وابسته به سازمانی دیگر، یعنی " سازمان اقتصاد اسلامی " هستند که نقش بانک مرکزی را برای این صندوقها ایفا میکند.

اگر آیت‌الله خمینی، در برابر آیت‌الله گلپایگانی ایستاده بود، ارتجاع مذهبی چنین آلوده به ثروت سر بلند می‌کرد؟

چنانکه بنوشته بنیان « اکثر کانونهای موجود قرض الحسنه با سازمان اقتصاد اسلامی رابطه نزدیک داشته و در این سازمان دارای حساب جاری هستند» به عبارت دیگر به موازات بانک مرکزی رسمی جمهوری اسلامی که وظیفه نظارت و نگاه داشتن حساب ذخیره بانکهای رسمی کشور را بر عهده دارد، یک بانک مرکزی غیررسمی به نام " سازمان اقتصاد اسلامی" وجود دارد که وظیفه آن نگاه داشتن حساب و کتاب صندوقهای قرض الحسنه و موسسات اعتباری غیررسمی و متخصص در فساد مالی و پول شویی است.

قدرت این بانک مرکزی غیر رسمی تا چه اندازه است؟

روزنامه آزاد در گزارشی که در این مورد انتشار داده، پس از یادآوری این نکته که « صندوق های قرض الحسنه و موسسات اعتباری در صدمه زدن به ارزش پول ملی، ایجاد فضای ناسالم رقابتی با نظام رسمی بانکی و تهدید اقتصاد ملی سهیم هستند» متذکر میشود که «۹۰درصد نقدینگی کشور در دست سازمان اقتصاد اسلامی است و با این حجم نقدینگی که دردست یک سازمان غیر رسمی است چگونه میتوان انتظار داشت که بقیه بخشهای اقتصادی کشور به سامان و کارکردشان بهینه شود؟ » ریشه فلج بودن تولید در کشور، بسته شدن کارخانه‌ها، بیکاری، اعتصابات کارگری و بحران اقتصادی در جمهوری اسلامی را باید در اینجا جست، نه در "خصوصی نشدن" آن ۲۰ درصد از اقتصادی که در اختیار دولت باقی مانده و عمدتا شامل نفت می‌شود. آن دلسوزی که امثال آقای عسگراولادی و تئوریسین روزنامه رسالت "امیرمحبیان" برای گرانی کمر شکن و دشواری‌های مردم دراین زمینه می‌کنند، اگر واقعا دلسوزی بود باید به این نکات می‌پرداخت نه تشدید فشار "بنیاد رسالت" برای سرعت بخشیدن به خصوصی سازی و تقویت همین سازمان‌ها و نهادهای اقتصادی سایه در کنار دولت و اغلب مسلط بر دولت و حاکمیت. البته اگر این افراد و این روزنامه چنین کنند ریشه خود را زده‌اند. آنها نه تنها نمی‌خواهند ریشه خود را بزنند، بلکه برای بلعیدن آن ۱۰ میلیارد دلاری که دولت ذخیره ارزی جمع کرده نقشه کشیده‌اند تا در شکم سازمان اقتصاد اسلامی و صندوق‌های قرض‌الحسنه ریخته و پس از شستشوی اصل و فرع آن، به بانک‌های دوبی منتقل کنند. شیخ نشینی که به پایتخت سرمایه‌داری دلال ایران تبدیل شده‌است.

دیدار شتابزده!

بدنبال سخنان وزیر اقتصاد، اعضای هیئت مدیره سازمان اقتصاد اسلامی که بزرگترین سرمایه‌داران ایران از جمله حبیب الله عسگراولادی، میرمحمد صادقی سخنگوی قوه قضائیه، علینقی خاموشی رئیس اتاق بازرگانی، حاج امانی و... در آن عضویت دارند بسرعت با وزیر اقتصاد دیدار کردند. در این دیدار میرمحمد صادقی اعلام کرد که « در سراسر کشور ۵۰۰۰ صندوق قرض الحسنه فعالیت دارند اما تنها ۱۰۰۰ صندوق وابسته به سازمان اقتصاد اسلامی است» اگر سخنان میرمحمد صادقی را در کنار این گزارش که نود درصد نقدینگی کشور در دست سازمان اقتصاد اسلامی است قرار دهیم معلوم میشود که در واقع ۴۰۰۰ صندوق قرض الحسنه دیگر موسساتی برای یاری‌های کوچک به آن ۱۰۰۰ صندوق دیگر است که به قصد تعاون توسط خود مردم بوجود آمده است و اکنون مدیران بانک مرکزی

غیررسمی جمهوری اسلامی، یعنی سازمان اقتصادی اسلامی می‌خواهند مبارزه با صندوقهای قرض الحسنه را به سمت این صندوقهای کوچک منحرف کنند.

اگر بانک مرکزی بر این صندوقهای قرض الحسنه که زیر نظارت سازمان اقتصاد اسلامی هستند هیچ تسلطی ندارد و هیچ مجوزی برای فعالیتهای اعتباری در اختیار آنان قرار نداده و از میزان درآمد و سود و سرمایه و نقدینگی و پول شویی و فساد در آنان اطلاع ندارد، پس این صندوقها بنا بر کدام مجوز فعالیت می‌کنند؟

بنوشته روزنامه آزاد، مجوز فعالیت این صندوقها که نود درصد نقدینگی کشور در دست آنان است توسط اداره اماکن نیروی انتظامی صادر میشود. همان اداره‌ای که چندی پیش هنرمندان و روزنامه نگاران و روشنفکران ایران را احضار کرده بود و آنان را تهدید می‌کرد و اکنون نیز مجری طرح "حذف"، یعنی پرونده سازی برای افراد تاثیر گذار در جنبش و مطبوعات و محکومیت آنها از فعالیت اجتماعی و مطبوعاتی شده‌است!

این صندوق‌ها و نهادها و بنیادهای عظیم مالی-تجاری موجودیت خود را در جمهوری اسلامی با شرع مقدس پیوند زده‌اند، چنانکه وقتی در ابتدای پیروزی محمدخاتمی در انتخابات ریاست جمهوری اشاره به ضرورت نظارت دولت بر این نهادها و اخذ مالیات از آنها مطرح شد آیت‌الله جنتی دبیر شورای نگهبان در نماز جمعه خود این نوع بحث‌ها و تصمیمات را خروج از اسلام و دین توصیف کرد!

سابقه تاسیس

سابقه صندوق‌های قرض‌الحسنه به سال‌های پیش از انقلاب باز می‌گردد. سال‌هائی که برخی بازاریان ملی، برای کمک به مستمندان و دور زدن بانک‌هائی که برای پرداخت هر نوع وامی به مردم بهره‌ای کمر شکن دریافت می‌کردند، این صندوق‌ها با پرهیز از بهره، به برخی مستمندان، در برابر اخذ چک و سفته پول قرض می‌دادند. البته، برای بازگیری این کمک و نقد کردن چک و سفته‌ها نیز گردانندگان این صندوق‌ها، در آن‌سال‌ها نیز کمتر تزلزل و تردیدی از خود نشان می‌دادند. یکی از حرفه‌های برخی آشنایان به مسائل حقوقی در بازار تهران نقد کردن همین چک و سفته‌ها بود. حاج رضا زواره‌ای، عضو فعلی حقوقدان شورای نگهبان و عضو رهبری جمعیت موتلفه اسلامی از جمله شاخص‌ترین افراد آشنا به مسائل حقوقی برای دریافت این چک و سفته‌ها در دوران پیش از انقلاب بود که در حاشیه دادگستری تهران روی وصول این چک و سفته‌های برگشتی صندوق‌های قرض الحسنه کار می‌کرد و البته خود نیز برخی چک و سفته‌ها را با نرخ ارزان می‌خرید و بعنوان سفته و چک برگشتی خود برای وصول آنها اقدام می‌کرد. اصطلاحی که در زمان شاه به "شرخری" معروف بود.

در آستانه انقلاب و در کنار صندوق‌هائی که برای کمک به اعتصابات دوران انقلاب تشکیل شده‌بود، این صندوق‌ها رونق و نقش مهم‌تری پیدا کردند و بخشی از حقوق و درآمد اعتصابیون را تامین می‌کردند. از فردای پیروزی انقلاب، جدال بر سر ادامه حیات این صندوق‌ها و یا انتقال فعالیت‌های آنها به بانک‌های کشور شروع شد. بازار، تجار و روحانیونی که با آنها در پیوند بودند از ادامه فعالیت این صندوق‌ها حمایت کردند و با پنهان شدن پشت دلائل شرعی و دینی توانستند دولت را دور زده و به موجودیت خود ادامه دهند. در دوران جنگ نیز این صندوق‌ها فعالیت‌هائی برای کمک به خانواده قربانیان جنگ توانستند سازمان بدهند، که عمدتا در شانه به شانه مساجد پیش می‌رفتند. از همین دوران، صندوق‌های قرض‌الحسنه نه تنها با مساجد بلکه با بسیج سپاه پاسداران پیوند یافتند، چرا که بسیج محلات در سراسر کشور در مساجد سازمان می‌یافتند. تاسیس کمیته امداد امام که سرپرستی آن اکنون در اختیار جمعیت موتلفه اسلامی و شخص حاج حبیب‌الله عسگراولادی است(مدیریت اجرائی آن را نیری عضو دیگر رهبری موتلفه اسلامی و برادر حجت‌الاسلام نیری یکی از دو حاکم شرع قتل‌عام زندانیان سیاسی بر عهده دارد)

پیوند این دو تشکیلات با سازمان اقتصادی اسلامی، عملا امکان تمرکز نقدینگی کشور در دست سرمایه‌داری بزرگ تجاری ایران را فراهم ساخت. نه تنها این پیوند بوجود آمد، بلکه پس از جنگ بسیج نیز عملا و به عنوان تجدید سازمان، از نیروهای علاقمند به سرنوشت انقلاب و هوادار آرمان‌های اولیه انقلاب تصفیه شد و بسیج جدید شکل گرفت که واحدهائی از آن اکنون تحت عنوان "لباس‌شخصی"ها، واحد چماقداران موتلفه اسلامی را تشکیل می‌هند و فرماندهی آن عضو رهبری موتلفه اسلامی‌اند. یعنی حزبی اقتصادی-سیاسی و نظامی!

بدین ترتیب، صندوق‌های قرض‌الحسنه که در ابتدا با احکام شرعی روحانیون توانسته بودند به موجودیت خود در دوران پس از انقلاب حیات تازه ببخشند، بعدها به آورندگان و برندگان دولت‌ها، طراحان ترورهای سیاسی و به بخشی از ستادهای مقابله با اصلاحات و جلوگیری از بازگشت آرمان‌های انقلاب تبدیل شدند و هزینه انواع حسینیه‌ها و دسته‌های عزاداری در محلات را تامین کردند. حسینیه‌هائی که از درون آنها تیم‌های ترور اصلاح طلبان و قتل‌های زنجیره‌ای بیرون آمد و تاسیسات بسیاری از مساجد را به مراکز رشوه، کارچاق‌کنی، دلالی و حتی توزیع مواد مخدر و در مواردی که عبدالله نوری در روزنامه "خرداد" افشاء کرد، به مراکزی برای "زنای به عنف" تبدیل کردند.

مشاهده میشود که ارگان‌های اقتصادی و سیاسی مافیای مخالف اصلاحات چگونه با یکدیگر در پیوندند و تمام تلاشی که رهبر جمهوری اسلامی برای نگهداشتن کنترل نیروی انتظامی در دست خود می‌کند و ستیزی که بر سر آن با دولت محمد خاتمی می‌کند کدام ریشه های اقتصادی را دارد. امثال سردار نقدی‌ها از چه چیز دفاع می‌کنند و چرا زمانی که عبدالله نوری وزیر کشور بود و میخواست نیروی انتظامی را تحت کنترل بگیرد تا مرز تلاش برای ترور او پیش رفتند؟ حامیان آنان چه کسانی هستند و چرا؟ ، نیروی انتظامی با کدام پشتوانه به دانشگاه حمله میکند و امثال سردار نظری‌ها با چه پشتوانه‌ای از محکومیت مصون میمانند؟ چه منافع عظیمی در پشت تسلط بر نیروی انتظامی که اداره اماکن سازمانی وابسته به آنست وجود دارد!

تمام نقدینگی عظیمی که در سازمان اقتصاد اسلامی و صندوق‌های قرض‌الحسنه متمرکز است، از سیستم بانکی کشور خارج است و به این ترتیب، دولت به مجری آن نقدینگی که در کنترل سازمان اقتصادی اسلامی و صندوق‌های وابسته به آنست و دهها بنیاد و نهاد اقتصادی دیگر که روحانیون حاضر در شورای نگهبان، مجلس خبرگان، قوه قضائیه، سازمان تبلیغات اسلامی، مجمع تشخیص مصلحت نظام و دفاتر نمایندگی رهبر در نیروهای مسلح قرار دارند باقی می‌ماند. شبکه‌های تو در توی واردات که اسکله‌های اختصاصی در اختیار دارند نیز هماهنگ با

تشکیلات یاد شده در بالا قرار دارند. حتی روزنامه ها می‌نویسند که نه تنها صندوقهای قرض الحسنه زیر نظر سازمان اقتصاد اسلامی‌اند بلکه بسیاری دیگر از موسسات اعتباری که تاکنون تصور می‌شد با مجوز بانک مرکزی فعالیت می‌کنند نیز تحت نظارت این بانک نیستند. از جمله این موسسات می‌توان به موسسه اعتباری بنیاد مستضعفان اشاره کرد که فعالیت وسیعی در عرصه جمع آوری پول های مردم و انداختن آن در مسیر تجارت و دلالی دارد. کارشناسان معتقدند تامین نرخ سود بالایی که این موسسه به سپرده گذاران می‌دهد جز از طریق به کار انداختن این سپرده ها در دلالی و تجارت و معاملات مشکوک امکان پذیر نیست. (از معاملات مشکوک چه برداشتی جز قاچاق مواد مخدر می‌توان داشت؟) بخشی از سودهای این موسسه که زیر نظر رهبر جمهوری اسلامی قرار دارد نیز صرف مبارزه با محمد خاتمی و مجلس، زیر پوشش مبارزه با" فقر و فساد و تبعیض" می‌شود، تا زمینه اجرای سناریوئی فراهم شود که در ونزوئلا با شکست روبرو شد.

پیشبرد اصلاحات در ایران از جمله مستلزم مبارزه با نقدینگی عظیمی است که در دست نهادهایی از قبیل سازمان اقتصاد اسلامی جمع شده است و با اتکا به آن سرگرم توطئه‌اند. با اینحال همانطور که روزنامه بنیان ۱۸ فروردین ۱۳۸۱ در مورد سازمان اقتصاد اسلامی مینویسد : «این نهاد که به نوعی به محافظه کاران و بازار نزدیک است و عرصه ای است برای فعالیتهای اقتصادی برخی از آنها و تا کنون هیچ یک از موجهای به وجود آمده طی ۲۳ سال اخیر نتوانسته است مشکلی را برای این نهاد اقتصادی قدرتمند بوجود بیاورد» برای آنکه بتوان قدرت اقتصادی و سیاسی این نهادها را از آنان ستاند موجهایی نیرومندتر از آنچه در بیست و سه سال اخیر بوجود آمده لازم است. تنها با اتکا به مردم، آشکار گویی از موانع واقعی بر سر راه اصلاحات، افشا کردن دلایل مقاومت مخالفان اصلاحات در برابر اراده و انتخاب مردم است که میتوان یک بار برای همیشه به سلطه سازمانهای سرمایه‌داری تجاری ایران بر اقتصاد و جامعه ایران خاتمه داد. تردید نیست که این امری بسیار دشوار است، چنان دشوار که به لرزه‌أی تمام عیار در ستون فقرات نظام حاکم ایجاد خواهد کرد، اما چاره و راه‌حلی جز آن نیست. آن روز که آیت‌الله گلپایگانی (سال ۵۹) به آیت‌الله خمینی نامه نوشته و سیستم بانکی را به بهانه اشاعه "ربا" و در واقع تضعیف منابع درآمد شبکه روحانیت از خمس و زکات نه تنها زیر علامت سئوال برد، بلکه آن را حرام اعلام داشت، اگر آیت‌الله خمینی بجای اطمینان بخشی به آیت‌الله گلپایگانی و آرام سازی او با قاطعیت قانون اساسی را در برابر او گذاشته و رسما می‌نوشت و می‌گفت: آقا! شما سر جایتان بنشینید. قانون اساسی که مردم به آن رای دادند چنین حکمی می‌کند، باحتمال بسیار دندان طمع آنها که امروز ۹۰ در صد نقدینگی را در اختیار دارند کشیده می‌شد. امروز نیز چاره‌أی جز همین قاطعیت نیست. قاطعیتی با تکیه به رای و خواست مردم و پیش از رفتن بدان سو ضرورت دارد تا هرچه بیشتر مردم در جریان ساختار و بافت اقتصادی-مافیائی جمهوری اسلامی قرار گیرند.

(بقیه بهشت زیر پای تجار است از ص ۱۷)

اما بخشی از تاریخ جمهوری اسلامی، شرح همین قهرمانی‌هاست: فتح بانک‌های شیخ نشین‌ها، خریدن سهام شرکت‌های هواپیمائی شیخ نشین‌ها، تبدیل شیخ‌نشین‌های خلیج فارس به تجارتخانه و کانون تماس‌های اطلاعاتی-امنیتی.

رهبر جمهوری اسلامی، در یکی از نمازهای جمعه تهران خود و در اشاره به زندانی شدن عبدالله نوری و محاکمه موسوی خوئینی‌ها گفت: «هر انقلابی در مسیر تکامل خود ریزش‌هائی دارد و رویش‌هائی. نیروهائی می‌ریزند و بجای آن نیروهائی می‌رویند»

آن نیروئی که در دهه دوم جمهوری اسلامی و در دوران رهبری او رشد کردند همین فاتحان شیخ‌نشین‌ها و صاحبان امضای طلائی در پای چک‌های چند میلیاردی است! ریزش آنها هم، همان است که در گورستان خاوران خفته و یا در زندان اوین است!

سود خالص بانکی

براساس گزارش "گلف نیوز"، سود خالص ۱۱ بانک ابوظبی با سه هزار و ۷۶ میلیون درهم در سال ۲۰۰۰ به سه هزار و ۳۵۵ میلیون درهم در سال ۲۰۰۱ رسید و نرخ رشد سود خالص آنها از یک در صد به ۳۷ در صد در سال رسیده‌است.

بالاترین نرخ رشد سود خالص متعلق به بانک ملی "فجیره" ست که با ۳۶ در صد افزایش از ۵۱ میلیون درهم در سال ۲۰۰۰ به ۷۰ میلیون درهم در سال گذشته رسید. افزایش نرخ رشد سود خالص بانک‌های امارات متحده عربی نیز با یک در صد افزایش از ۵۲۴ میلیون درهم در سال ۲۰۰۰ به ۵۲۹ میلیون درهم در سال گذشته رسید.

مقایسه به دلار: نرخ یک دلار امریکائی برابر است با ۳٫۶۷ درهم امارات متحده عربی و ابوظبی.

(بقیه آستانقدس رضوی از ص۳۵)

شرحی که مجیدفیاض در باره نقش مترقی و ملی فرقه دمکرات آذربایجان در کتاب خاطرات خود می‌دهد، او را در کنار جسورترین خاطره نویسان دوران اخیر قرار می‌دهد.

کتاب در دو هزار نسخه منتشر شده‌است و تا آنجا که اطلاع داریم استقبال از آن چنان بوده که مقدمه چاپ دوباره آن فراهم می‌شود. همچنین اطلاع داریم که جلد دوم کتاب خاطرات مجیدفیاض در دست تدوین است که سال‌های پس از ۲۸ مرداد تا انقلاب ۵۷ را شامل می‌شود. مقالاتی که تاکنون از مجیدفیاض در باره سیاست و نقش حزب توده‌ایران در سال‌های پس از انقلاب ۵۷ منتشر شده نشان دهنده تحقیق پیگیرانه وی در این ارتباط است. تاکنون در هفته‌نامه نیمروز و فصل‌نامه "روزگارنو" مقالاتی در این ارتباط از مجید فیاض منتشر شده‌است، که عمدتا در تقابل بسیار جدی با مطالبی است که از سوی برخی جداشدگان از حزب توده‌ایران نظیر بابک امیرخسروی و فریدون آذرنور قرار دارد.

پس از انتشار مقالات مجیدفیاض در هفته‌نامه نیمروز در خارج از کشور، زنده‌یاد نورالدین کیانوری دبیراول وقت حزب توده‌ایران، در دورانی که در آپارتمان اجاره‌أی خویش در خیابان سنائی تهران زندگی می‌کرد با خواندن برخی از این مقالات تلاش کرد تا بلکه شخصا با وی تماس برقرار کرده و از جسارت، پایمردی و صداقت گفتار مجیدفیاض تشکر و قدرانی کند، اما این ارتباط تا پایان حیات وی ممکن نشد.

آنسوی آب‌های جنوب ایران، اما نه زیاد دور

بهشت زیر پای تجاراست!

دوران طلائی حاکمیت سرمایه‌داری تجاری ایران، فصل ننگین تاریخ جمهوری اسلامی است!

در آنسوی آبهای جنوب ایران،- نه آنقدر دور که به دریای سرخ و دهانه عمان برسد- با پول ایران و سرمایه تجار و چهره‌های کلیدی جمهوری اسلامی بانک‌های ابوظبی، دوبی، قطر، بحرین، کویت و حتی "فوجیره" چنان چاق و چله شده‌اند که در بورس‌های بزرگ لندن، فرانکفورت و نیویورک به بازی گرفته شده‌اند!

چک فرماندهان سپاه و گردانندگان بنیادهای اقتصادی-مالی جمهوری اسلامی در این شیخ‌نشین‌ها برگ "زر" است، چرا که هم پول نقد است و هم قدرت حکومتی!

رونق و اعتبار بانک صادرات دُبی را بزرگترین تجار ایرانی تضمین می‌کنند و پل پیوند سازمان اقتصاد اسلامی جمهوری اسلامی با آن را اتاق بازرگانی جمهوری اسلامی۰ نام علینقی خاموشی در شیخ نشین‌های یاد شده، همان اعتبار و شهرتی را دارد که در دهه ۱۹۶۰ نام "زکی‌یمانی" یکی از سلاطین نفت عربستان سعودی داشت۰ شخصیتی که کلام و تصمیم او قیمت نفت و سهمیه اوپک را بالا و پائین می‌برد۰ در هر سفر و بازگشت علینقی خاموشی به لندن و یا از لندن، توقف او در یکی از شیخ نشین‌هائی که به بارانداز‌ها و سکوهای تجارت ایران تبدیل شده، رویدادی است که چند ده میلیون دلار از دل آن بیرون می‌آید۰ رفت و بازگشت حاج اسدالله لاجوردی معاون علینقی خاموشی به دبی نیز کم اعتبارتر از توقف یک روزه علینقی خاموشی در این شیخ نشین‌ها نیست۰۰ او هم سلطان زیره ایران است و هم برادر حاج‌حبیب‌الله عسگراولادی دبیرکل موتلفه اسلامی۰ سلطنت در دل جمهوری اسلامی و بر تخت تجارت تنها زیره را شامل نمی‌شود، همچنان که سلطنت بر زعفران خراسان نیز امروز دیگر چندان دندان‌گیر نیست۰ وقتی ارقام معاملات سر به میلیارد می‌زند و خون سیاه نفت در رگ‌های آقایان به گردش در آمده زعفران و زیره و زنجفیل دیگر چه قابل دارد؟! پتروشیمی، گاز سرخس، صدور خارج از کنترل نفت به پاکستان و افغانستان در زیر نگین آقایان و نوادگان آنهاست۰ آن اعتبار بانک‌ها در شیخ نشین‌های خلیج فارس هم از زیر همین نگین بیرون آمده است۰

طلا برای مرد مسلمان زینت زیبنده‌ای نیست و همین است که عقیق یمنی آقایان روی نقره نشانده شده‌است و طلا بدست و گردن ندارند، درعوض در جمهوری اسلامی طلای سیاه پارو می‌کنند و دلار آن را به شیخ نشین‌ها منتقل!

مرحوم داریوش‌فروهر، در آستانه قتل‌های زنجیره‌ای مصاحبه‌ای در باره آشنائی‌اش با آیت‌الله خمینی و مسلمان بودنش انجام داده بود که تا پس از قتلش در جریان قتل‌های زنجیره‌ای منتشر نشد۰ فتوای قتل او را به جرم ناصبی بودن شورای فتوای قتل‌های زنجیره‌ای صادر کرده‌بود۰ شورائی که تاکنون از آیت‌الله مصباح یزدی، روح‌الله حسینیان، محسنی اژه‌ای، علی‌فلاحیان و رئیس وقت دادگاه انقلاب بعنوان اعضای آن نام می‌برند۰ فروهر در آن گفتگو از ملاقاتی با آیت‌الله خمینی تعریف کرده بود که به پیش از انقلاب ۵۷ بر می‌گشت۰ گفته بود: « کنار آیت‌الله خمینی نشستم و حرف‌هایم را گفتم۰ ملایم و مهربان دستم را گرفت و حلقه طلائی را که بدست داشتم بیرون آورد و گفت طلا زیبنده مرد نیست!!» (مشروح این مصاحبه در راه‌توده منتشر شده‌است) شاید به خواب هم ندیده بود که دهسال بعد از درگذشت او، آقازاده آیت‌الله طبسی چک‌های چند میلیاردی ردوبدل کند و گردبند طلای او هم‌وزن زنگ شتر باشد؟

بانک صادرات دبی، با کمترین امکانات تکنولوژیک- در مقایسه با دیگر بانک‌ها- بدلیل گردش بالای کار و ورود سرمایه و پول ایرانی‌ها طی دو سال گذشته از این نظر مرتبه اول را کسب کرده‌است۰ این بانک با سودگیری از انواع راه‌های قانونی و غیر قانونی به شرکت‌ها وام‌های کلان می‌دهد و تسهیلات در اختیار ایرانیان برای تجارت در سطح جهان قرار می‌دهد و به مرکز حواله‌های صدها هزار دلاری برای شرکت‌های دولتی و غیر دولتی ایران شده‌است۰ کافی است، حتی بصورت عبوری سری به یکی از شعب این بانک زده شود تا دستور حواله‌های دلاری صادره از ایران بوسیله فاکس روی میزها دیده شود۰ یکی از نمودارهای آشکار مخالفت با اصلاحات انتقال پول‌ها به خارج از کشور است۰ در کنار سرمایه نقدی عظیمی که رهبران جبهه مخالف اصلاحات در بانک‌های شیخ نشین‌ها ذخیره کرده‌اند، جمعی از سرمایه‌دارانی که از موقعیت ضعیفی در حاکمیت برخوردار و نسبت به آینده خویش بیمناک‌اند، به بهانه نداشتن پوشش قانونی پول‌های خود را روانه بانک‌های دوبی، ابوظبی، شارجه، قطر، بحرین و کویت کرده‌اند۰ جنجال‌آفرینی‌های نوبتی قوه قضائیه برای مبارزه با مفاسد اقتصادی که هرگز گریبان هیچ دانه درشتی را نگرفته و نخواهد گرفت، باعث انتقال سرمایه و پول این بخش از سرمایه‌داران ایران شده‌است۰ تمرکز هرچه بیشتر پول ایرانیان در بانک‌های شیخ‌نشین‌ها، عملا این شیخ نشین‌ها را به مراکز عمده تجارت ایران تبدیل کرده‌است۰

هر تصمیم اقتصادی جمهوری اسلامی، بلافاصله در این شیخ‌نشین‌ها منعکس می‌شود، دقیق‌ترین اخبار بازار و اقتصاد ایران در بانک‌ها وتجارتخانه‌های شیخ‌نشین‌ها پخش است و با هر تصمیمی که در باره واردات و صادرات در جمهوری اسلامی می‌گیرند، بازار شیخ‌نشین‌ها دچار نوسان شده و یکباره سیل کالاهای جدید وارد بنادر آنها می‌شود. بلافاصله پس از ممکن شدن برخی فعالیت‌های عمرانی در افغانستان از سوی جمهوری اسلامی واردات و سپس صادرات ماشین آلات دست دوم راهسازی دراین شیخ نشین‌ها رواج یافت. حراج‌های بی‌سابقه ماشین‌آلات راهسازی در منطقه آزاد "جبل علی" حاصل این رونق است. در هر حراجی صدها ایرانی که در هیات‌های چند نفره تقسیم شده‌اند در این حراج‌ها شرکت می‌کنند. هفته‌ای ۲۰۰ تا ۲۵۰ پرواز بین دبی و ایران انجام می‌شود و در کنار گردشگران ایرانی که خود را به دبی می‌رسانند تا نفسی تازه کنند، تجار و وارد کنندگانی که پیراهن یقه آخوندی به تن دارند نیز وارد دبی و از این شیخ نشین راهی شیخ نشین‌های دیگر می‌شوند.

"ابریشم کار" معاون سابق کرباسچی، تهران را به محسنی اژه‌ای رئیس دادگاه گرباسچی واگذار کرد و به یکی از فعال‌ترین تجار حراج‌های "دُبی" تبدیل شد. یک فقره چک او ۶۰ میلیون دلار است!

"ابریشم کار" معاون سابق کرباسچی شهردار اسبق تهران از پرکارترین و فعال‌ترین چهره‌های این نوع حراج‌هاست. او در یکی از میهمانی‌های مرسوم دبی، به یکی از شیخ‌های تجارت پیشه دُبی می‌گفت:« بنده از زیر سنگ هم شده بایستی ۶۰ میلیون دلار بابت وام‌های دریافتی به بانک صادرات پرداخت کنم والا مرا هم به سرنوشت شهرام جزایری گرفتار می‌کنند.»

دولت امارات متحده در منطقه‌ای بنام " دوبی مارینا" شهرکی بنا کرده که آنها را به خارجی ها می‌فروشد. کدام خارجی پولدارتر از تجار ایرانی؟ آقایان این آپارتمان‌ها را چنان پیش‌خرید کرده‌اند که خود عرب‌های امارات دست به دهان مانده‌اند. درکنار تجار، دیگرانی هم که در حاشیه قدرت حکومتی، در سال‌های بعد از جنگ پول پارو کرده‌اند از این آپارتمان‌ها خریده‌اند و تعطیلات زمستانی را در "دوبی‌مارینا" می‌گذرانند.

از چابهار تا خرمشهر فقیرترین مردم محلی در کنار شبکه قاچاق، دلالی و کارهای انگلی چنان به زانو درآمده‌اند که به زائده‌های تجارت تبدیل شده‌اند. تحت عنوان منطقه آزاد، منطقه ویژه، طرح اشتغال، فقرزدائی و انواع نام‌های دیگر مردم را به نان بخور و نمیری که از کنار واردات در می‌آید آلوده کرده‌اند، چنانکه امروز در جنوب ایران هر کس به نوعی آلوده به واردات کالاست. در هر منطقه راهی را به دروازه واردات گشوده‌اند، حتی در محلی بنام "سلفچگان" که شاید نامش را هم کمتر کسی شنیده باشد، منطقه ویژه تجارت درست کرده‌اند تا نیروی نظامی، انتظامی و امنیتی محل نام خود را از واردات و خرید و فروش در آورند. گمرک آن چنان کوچک است که یک مامور آن را می‌چرخاند. تحت عنوان بازسازی ماشین آلات، انبوهی از وسائل کهنه ماشین آلات را وارد آن کرده‌اند.

بوشهر را جاده‌های جدید به شیراز و تهران و بندرعباس وصل کرده‌است و یک منطقه ویژه اقتصادی نیز برای آن در نظر گرفته‌اند. ملوانان، کارکنان شناورها و مردم محل را برای انتقال و تخلیه کالاهای قاچاقی که از قطر وارد می‌شود بکار گرفته‌اند. این مناطق آزاد، مناطق اقتصادی، بنادر قانونی انتقال کالا و گمرک بنادر همه شبکه‌های ورود کالا به کشور نیستند. سپاه پاسداران و نیروی دریائی و صنایع دریائی خود تاسیسات جداگانه‌ای دارند که حساب و کتابش با دولت نیست. شرکت صنایع دریائی اکثر در دست اقوام هاشمی رفسنجانی است.

سعید صحیفه، در گزارشی که از سوی خبرگزاری دانشجوئی ایسنا منتشر شده می‌نویسد: تجارت سود بسیار کلان‌تری در مقایسه با تولید دارد، به خصوص اگر با آن سوی مرز مرتبط باشد. تولید در خوشبینانه‌ترین حالت خود سودی بالغ بر ۱۰ در صد دارد، در حالی که سود متوسط در بخش تجارت امروز از مرز ۳۰ در صد هم فراتر رفته‌است.

تجارت در دوران اجرای برنامه تعدیل اقتصادی، در هشت سالی که هاشمی رفسنجانی ریاست جمهوری را برعهده داشت به اوج رونق خود رسید و صنایع کشور را بلعید. در همین دوران، براساس آماری که همشهری ماه منتشر کرده قریب به دو هزار شرکت سرمایه‌های خود را از کشور خارج کرده و مرکز ثقل تجارت به شیخ‌نشین‌ها منتقل شد. وام‌هائی که دولت هاشمی رفسنجانی از بانک جهانی و صندوق‌بین‌المللی پول گرفت به جیب صاحبان این شرکت ها ریخته شد و آنها نیز این پول را از هر نوع گزندی خارج کرده و به بانک‌های خارجی منتقل کردند و به این ترتیب بود که پول ایرانی، تابعیت عربی گرفت! این انتقال شرکت‌ها را از بسیاری مقررات داخلی معاف کرد و شرکت‌ها امکان یافتند تمامی فعالیت‌های خود را از زیر هر نوع چتر بازرسی، افشاگری مطبوعاتی و نظارت دولتی خارج کنند. صاحبان این شرکت‌ها همان‌هائی بودند که بعدها به آقازاده‌ها شهرت یافتند.

در سال‌های نخست انتشار مطبوعات جدید، نویسندگان این مطبوعات کمتر به این مسائل پرداختند. افشاگری‌های سیاسی چنان هیجان‌انگیز بود که اغلب –نویسنده و خواننده– فراموش کرده بودند در پس هر پرده‌ای که کنار می‌رفت پیوندهای اقتصادی را ببینند، بنویسند و بخوانند. اگر حیات مطبوعات بعد از دوم خرداد را به دو دوره تقسیم کنیم، در دوره دوم که با بسته شدن بسیاری از مطبوعات و دستگیری و محاکمه چهره‌هائی نظیر عبدالله نوری، عمادالدین باقی، اکبر گنجی و چند چهره دیگر آغاز شد، ریشه‌یابی اقتصادی مخالفت‌های شتاب گرفته با اصلاحات نیز آغاز شد. افشای تدریجی نقش و ماهیت اقتصادی شرکت‌ها، بنیادها، نهادها، سازمان‌ها و صندوق‌های مالی در این دور جانشین افشای حسینه‌های تیمی، کانون‌های ترور وابسته به مساجد و نقش آفرینی نیروهای انتظامی و لباس شخصی‌ها شد و ماجرا از سطح به عمق رفت. در این دوره است که ماجرای اختلاس و دزدی آقازاده دادستان کل کشور– آیت‌الله مقتدائی– آقازاده آیت‌الله خزعلی–عضو شواری نگهبان و سرسخت ترین مدافع ارزش‌های اسلامی– و سرانجام، نام "ناصر واعظ طبسی" آقازاده آیت‌الله واعظ طبسی "ناصر" در محافل حکومتی و سپس حاشیه حکومتی زمزمه شد و با اشاره به مطبوعات راه یافت. هیچ روزنامه‌ای جرات نکرد عناوین بزرگ خود را به نقش آنها در جمهوری اسلامی اختصاص دهد، همچنان که نام پسران و برادران هاشمی رفسنجانی به صفحات اول مطبوعات راه نیافت. این مطبوعات، از بیم جان نتوانستند همه آنچه را در باره بنیاد «المکاسب» و بنیان گذار آن "ناصر واعظ طبسی" بنویسند و فاش سازند که دفترمرکزی آن در "دبی" است، اما اخبار این قهرمانان نیمه دوم جمهوری اسلامی و شرح قهرمانی‌های آنها، شاید سرانجام به مطبوعات کشیده نشود و در انبوه حوادث دگرگون ساز جمهوری اسلامی گُم شود،

(بقیه در ص ۱۶)